

چشم اندازی از فراز کوه نامحتمل

ریچارد داو کینز

محمد رضا توکلی صابری



انتشارات معین

به تازگی به یک سخنرانی که عنوانش درباره میوه انجیر بود گوش می‌دادم. موضوع سخنرانی در مورد گیاه‌شناسی نبود، بلکه یک سخنرانی ادبی بود. ما در ادبیات، انجیر را به عنوان استعاره به کار می‌بریم. فهم در حال تغییر انجیر، همچون نشانه شرمگاه و برگ انجیر همچون پوشاننده باحیای آن است. «انجیر» به عنوان یک ناسزا در زبان انگلیسی هم به کار می‌رود. دی. اچ. لارنس^۱ در مورد این که چگونه در اجتماع انجیر بخوریم، «خواندن انجیر» و فکر کنم «انجیر همچون یک متن» قلم‌فرسایی کرده است. البته اندیشه نهایی سخنران این بود: او داستان سفر پیدایش تورات در مورد وسوسه آدم توسط حوا را برای خوردن میوه درخت معرفت، به ما یادآوری می‌کرد. همچنین تذکر داد که سفر پیدایش مشخص نمی‌کند که چه میوه‌ای بوده است. طبق سنت، مردم فکر می‌کنند که یک سیب بوده ولی سخنران گمان می‌برد که در واقع میوه‌ای که باعث فریب انسان شد، انجیر بود و با این پیکان تند و تیز، سخنرانی خویش را به پایان برد. این موارد ابزار کار بعضی ذهن‌های ادبی است، اما موجب تحریک ذهن ادبی من نیز شد. البته سخنران خودش نمی‌دانست که چه

۱- D. H. Lawrence نویسنده، شاعر و نقاش انگلیسی.

می‌گوید! پس واقعاً او سعی داشت چه بگوید؟ تصور می‌کنم که او یک احساس مبهم از این داشت که «تا حدودی»، «اگر بگوییم»، «تا اندازه‌ای»، «از یک نظر»، «به یک مفهوم» و «اگر این‌طور بگوییم» تا اندازه‌ای «صحیح» است. اگر بگوییم که میوه در این داستان باید یک انجیر بوده باشد، ولی حماقت بس است. مسأله این نیست که باید ملا لغتی باشیم و مته بر خشخاش بگذاریم، ولی سخنران عالی‌مقام ما متوجه بسیاری مطالب نبود. یک تناقض اصیل و شعر واقعی در بطن انجیر است، با ظرافت‌هایی برای ورزش یک ذهن پرسشگر و شگفتی‌هایی که یک ذهن ظریف را به تعالی برساند. در کتاب «صعود/از کوه نامحتمل»، که این کتاب چکیده‌ی آن است، سعی می‌کنم به موضعی برسم که بتوانم داستان واقعی انجیر را باز گویم. اما داستان انجیر فقط یکی از میلیون‌ها داستانی است که همگی همان دستور زبان و منطق داروینی را دارند - اگرچه داستان انجیر در میان قانع‌کننده‌ترین پیچیدگی‌ها در تمامی تکامل است. اگر بخواهیم استعاره مرکزی این کتاب را پیشاپیش نشان دهیم، درخت انجیر بر بالای بلندترین قله عظیم کوه نامحتمل قرار دارد. ولی قله‌هایی به بلندی انجیر بهتر است که در پایان این سفر اکتشافی فتح شوند، پیش از آن‌که بیشترین چیزی که لازم است گفته شود، کل دیدگاه حیات باید توصیف و توضیح داده شود، معماهایی که لازم است حل شود و تناقض‌هایی که باید حل شوند.

داستان انجیر در ژرف‌ترین سطح آن، همان داستانی است که برای هر موجود زنده دیگر روی این کره خاکی وجود دارد. اگرچه در جزئیات سطحی با هم اختلاف‌هایی دارند، همگی انواعی از متن دی. ان. ا.

(D.N.A.) و سی میلیون روشی است که به این ترتیب خودش را تکثیر می‌کند. در کتاب صعود/از کوه نامحتمل ما به تار عنکبوت، به مهارت مبهوت‌کننده، اما ناآگاهانه‌ای که با آن ساخته می‌شود و طرز کار آن، نظری می‌اندازیم. ما تکامل آهسته و تدریجی بال‌ها و خرطوم فیل را بازسازی می‌کنیم. می‌بینیم «چشم»، که گاهی تکامل آن به شکلی افسانه‌ای دشوار به نظر می‌آید، دست‌کم چهل بار و شاید شصت بار به‌طور مستقل در سرتاسر سلسله جانوری تکامل پیدا کرده است. ما کامپیوترهایمان را برنامه‌ریزی می‌کنیم تا به تخیل ما کمک کنند. در یک موزه عظیم از همه‌ی جانوران بی‌شماری که تاکنون زیسته و مرده‌اند و عموزاده‌های خیالی بی‌شمارشان که هیچ‌گاه زاده نشده‌اند، به آسانی حرکت می‌کنیم. در مسیرهای کوه نامحتمل می‌گردیم و پرتگاه‌های عمودی آن را دورادور تحسین می‌کنیم، ولی همیشه بی‌صبرانه در جستجوی دامنه‌های دارای شیب ملایم در طرف دیگر آن هستیم و سرانجام به انجیر بازمی‌گردیم؛ آماده و آموزش‌یافته با تجربه‌هایمان روی این کوه تا با مشکل‌ترین معمای داروینی درگیر شویم.

کوه نامحتمل از دشت برافراشته و قله‌هایش را به‌طور رخوت‌آمیزی در آسمان بالا برده است. به نظر می‌رسد که صخره‌های عمودی و بلند کوه نامحتمل غیرقابل دسترسی و صعود باشد. کوهنوردان خوار شده که مانند حشرات کوتوله در دامنه کوه می‌خزند و تقلا می‌کنند، ناامیدانه به بلندی‌های دسترسی‌ناپذیر آن خیره می‌شوند. آنها سرهای کوچک و پریشان خود را تکان می‌دهند و اعلام می‌کنند که این قله تهدیدآمیز و دست‌نیافتنی است.